

ابعاد اخلاقی در جهت توسعه کاربردی ژن درمانی

مونا ذوالفقار^۱ و طاهره ناجی^{۲*}

۱. دانشجوی ارشد زیست‌شناسی سلولی و ملکولی، دانشکده علوم و فناوری‌های نوین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم‌دارویی.

۲. استادیار، گروه زیست‌شناسی سلولی و ملکولی دانشکده علوم و فناوری‌های نوین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم‌دارویی.

tnaji2002@gmail.com

چکیده

امروزه ژن درمانی در راستای بهبود سلامت انسان و درمان بیمارانی که بیماری آنها در اثر نقص کارکرد ژنی است با سرعت و دقیق فوق العاده‌ای به کمک روش‌های پیچیده ملکولی و در عین حال خارق العاده وارد شده است و راه‌های جدیدی را برای درمان بیمارانی گشوده است که در گذشته امیدی برای بهبود آنها وجود نداشت. در ژن درمانی ابتدا ژن سالم را از افراد سالم جداسازی می‌کنند سپس ژن جداشده را تکثیر و در مرحله‌ی بعد به وسیله‌ی یک حامل به سلول‌های بافت موردنظر بیمار انتقال می‌دهند که این حامل‌ها می‌توانند ویروسی یا غیر ویروسی باشند، آنگاه در درون سلول‌های بافتی که حامل وارد می‌شود، ژن سالم می‌تواند با کارکرد طبیعی خود نقص موردنظر را برطرف کند، اما در حال حاضر به دلیل مشکلات خاص موجود، ژن درمانی نتوانسته کاربرد و جایگاه واقعی خود را به عنوان یک روش درمانی مناسب پیدا کند. در این مقاله تلاش شده است که با تأکید بر اهمیت ژن درمانی در راستای بهبود سلامت انسان، به خطرات ناشی از آن پرداخته شود و با در نظر گرفتن ابعاد اخلاقی، در جهت توسعه کاربردی آن صحبت شود.

واژه‌های کلیدی: ژن درمانی، حامل‌های غیر ویروسی، حامل‌های ویروسی، خطرات ژن درمانی، ابعاد اخلاقی.

ژن درمانی:

امروزه برای وارد کردن ژن در سلول‌های بیماران، دو روش اصلی وجود دارد، در هر دو مورد ابتدا ژن‌هایی را که از افراد سالم جدا کرده‌ایم در حامل‌هایی (vector) وارد می‌کنند که ژن‌های سالم را تا سلول فرد بیمار با خود ببرند.

۱. روش Vivo Ex: این روش متداول‌ترین شیوه است که سلول‌ها را از بافتی که باید درمان شود خارج می‌کنند و آن‌ها را در آزمایشگاه در حضور حامل‌های انتقال ژن قرار می‌دهند سپس سلول‌هایی که اکنون در واقع به صورت ژنتیکی تصحیح شده‌اند، دوباره وارد بدن بیمار می‌شوند.^(۹)

۲. روش In Vivo: در این روش حامل‌های ژنی به طور مستقیم وارد بدن بیمار می‌شوند، به طور عمده در داخل بافتی که باید تحت درمان قرار بگیرد. کمال مطلوب این است که بتوان حامل‌ها را وارد خون یا نواحی دیگر کرد، سپس خود حامل‌ها از آن نواحی به سوی سلول‌های هدف حرکت کنند، بخصوص به سوی اندام‌هایی که دسترسی به آنها مشکل است. از سویی دیگر در بسیاری از اوقات می‌توان به وارد کردن ژن، به برخی از سلول‌ها که دسترسی به آنها آسان‌تر است، مثل سلول‌های پوست و عضلات پرداخت

ژن درمانی توسط کمیته مشاوره ژن درمانی انگستان به عنوان وارد کردن آگاهانه یک ماده ژنتیکی به داخل سلول‌های سوماتیکی انسان جهت هدف-های درمانی، پیشگیرانه یا تشخیصی تعریف می‌شود^(۶). ژن درمانی علم جوانی است و تاریخچه‌ی کوتاهی دارد، در چهاردهم سپتامبر سال ۱۹۹۰، برای نخستین بار دانشمندان و پزشکان اقدام به انجام پروژه‌ی ژن درمانی بر روی انسان کردند. این پروژه بروی یک دختر چهارساله که از بیماری نقص ایمنی مختلط شدید (SCID) رنج می‌برد، با موفقیت انجام شد. لغوسيت‌های T اين کودک، بدليل نقص آنزيم آدنوزين دامیناز، به سرعت از بين رفته و در نتيجه با از دست دادن سلول‌های دفاعی، کودک مستعد ابتلا به انواع عفونت‌ها می‌شد، اين شروع ژن درمانی موفقیت آميز بر روی انسان بوده است^(۲). يك توافق جهاني در رابطه با ژن درمانی بر روی سلول‌های رده زايشي وجود دارد که اين نوع ژن درمانی، از لحاظ اخلاقی و عرفی پذيرفته نيست زيرا تغييرات حاصل از ژن درمانی را می‌تواند در سلول‌های سوماتیکی و رده زايشي وارد کنند و به نسل بعد منتقل سازند، از اين جهت تمام برنامه‌های ژن درمانی فقط بر سلول‌های سوماتیکی (غير جنسى) تمرکز کرده‌اند^(۶).

رتروویروس‌ها از اوایل دهه ۸۰ به عنوان حامل، آزمایش شده‌اند و بیش از سایر ویروس‌ها مورد پژوهش قرار گرفته‌اند، رتروویروس‌ها می‌توانند نسخه‌هایی از ژن‌های خود را وارد کروموزوم‌های سلول‌هایی کنند که تصریف‌شان کرده‌اند، ژن‌هایی از ویروس که به این صورت وارد کروموزوم‌های سلول‌آلوده شده می‌شوند، پس از نسخه‌برداری از آن‌ها، به تمامی سلول‌های حاصل از تکثیر سلول‌های آلوده منتقل می‌شوند، این در حالی است که بسیاری از انواع ویروس‌های دیگر ماده ژنتیکی خود را، در کروموزوم سلول‌هایی که آلوده کرده‌اند نمی‌کنند و به طور معمول ژن‌هایشان به طور موقت در بدن فعال هستند، بخصوص به این دلیل که در زمان تقسیم شدن، سلول‌های آلوده به این ژن‌ها همانندسازی نمی‌کنند، اگرچه ورود ژن توسط رتروویروس‌ها به داخل کروموزوم سلول‌های هدف، باعث پایداری بیان ژن موردنظر در آن سلول می‌شود و این یک مزیت بالقوه برای رتروویروس است اما رتروویروس‌ها دارای معاویتی هم هستند، ابتدا این که چندان انتخابی عمل نمی‌کنند یعنی ژن‌هایشان را در کروموزوم‌های چند نوع سلول مختلف وارد می‌کنند در نتیجه وارد شدن ژن‌های خارجی، در سلول‌هایی که ابتدا مورد نظر پزشکان نبودند، تأثیر عمل سلول‌های هدف را کم می‌کنند و ممکن است عوارض جانبی ناخواسته‌ای ایجاد

که آنها را می‌توان به عنوان کارخانه‌ی پروتئین سازی مورد بهره‌برداری قرار داد، بدین ترتیب آن‌ها پروتئین مورد نیاز را می‌سازند و به سلول‌هایی در همسایگی شان انتقال می‌دهند و یا در خون آزاد می‌کنند و خون هم آن‌ها را به اندام‌های دورتر می‌برد (۹).

اما چه نوع حاملی می‌تواند بدون خطر و با کارآیی زیاد ژن‌ها را حمل کند؟

از دوران ابتدایی ژن‌درمانی از ویروس‌ها به عنوان حامل استفاده شده است، ویروس‌ها شامل یک بخش ژن و یک پوشش پروتئینی‌اند که دور ژن را فرا گرفته است، آن‌ها قادرند که وارد سلول‌ها شوند و ژن‌های خود را بیان کنند، زیست‌شناسان هم این قدرت را دارند که یک یا چند ژن با قابلیت‌های درمانی را به جای ژن‌های مربوط به همانندسازی ویروس و یا قدرت بیماری‌زاوی (ویرولانس) آن قرار بدهند، بنابراین ویروسی که به این ترتیب دستکاری شده باشد، بدون تولید مثل و بدون ایجاد بیماری، ژن‌های مفید (ژن‌های درمانگر) را به سلول‌ها منتقل می‌کند. از جمله ویروس‌هایی که از آنها برای ژن‌درمانی استفاده می‌شود شامل رتروویروس‌ها، آدنوویروس‌ها و ویروس‌های اقماری آدنوویروس‌ها هستند (۲۱، ۱۴).

رتروویروس‌های دستکاری شده:

می‌شوند. آدنوویروس‌ها ژن‌ها را تا هسته حمل می‌کنند اما به طور واضح آن‌ها را وارد کروموزوم نمی‌کنند، به این ترتیب خطر تخریب ژن‌های سلولی و بروز سرطان وجود ندارد بنابراین این ژن‌ها به طور موقت فعال هستند زیرا دی‌ان‌ای وارد شده به سلول‌ها در نهایت از بین می‌رود، از این جهت درمان بیماری‌های مزمن مثل موکوویسیدوز باید ماهانه یا سالانه مجدد انجام شود، این نقص گاهی اوقات یک مزیت است، زیرا برای آغازگری موقت یک واکنش ایمنی علیه سرطان یا یک عامل بیماری‌زا، فعالیت کوتاه مدت ژن خارجی ترجیح داده می‌شود (۱۰، ۹). آدنوویروس‌ها هم مانند رترووویروس‌ها انواع مختلفی از سلول‌ها را آلوده می‌کنند که این یکی از معایب بالقوه آن است اگرچه امروزه دانشمندان با راهکارهای متفاوتی توانسته‌اند این مشکل را بطرف نمایند، اما جدی‌ترین مانع که در برابر استفاده از آدنوویروس‌ها به عنوان حامل در بیماران وجود دارد، واکنش‌های حساسیتی شدیدی است که ایجاد می‌کنند. طی یک درمان اولیه، این حامل‌ها به سلول‌های مورد نظر می‌رسند و منجر به تولید مقادیر زیادی پروتئین مطلوب می‌شوند، اما راههای دفاعی بدن می‌بازان، سریع سلول‌های تغییر یافته را می‌کشند و ژن‌های جدیدشان را غیرفعال می‌سازند. اگر ویروس‌ها را برای بار دوم وارد بدن کنیم، سیستم ایمنی آن‌ها

کنند. نقص دیگر رترووویروس‌ها این است که آن‌ها تنها زمانی ژن‌های خود را پخش می‌کنند که سلول در حال تقسیم‌شدن باشد یعنی زمانی که غشای دور هسته‌ی سلول (سلول آلوده شده) ناپدید می‌شود، پس نمی‌توانند روی سلول‌هایی اثر بگذارند که تقسیم نمی‌شوند یا به ندرت تقسیم می‌شوند (سلول‌های عصبی بالغ و سلول‌های عضلات). بالاخره باید مراقب بود که رترووویروس‌ها، ژن‌ها را به صورت تصادفی در کروموزوم می‌بازان وارد نکنند زیرا بسته به محل ورود، ژن‌های دیگری ممکن است شکسته شوند و یا تغییر کنند که احتمال سرطان در اثر این شکستگی‌های پدید آمده در ژن‌ها، اگرچه احتمال ضعیفی است اما وجود دارد (۲۱، ۱۸).

آدنوویروس‌ها:

ویروس‌های دیگر غیر از رترووویروس‌ها مزایای دیگری دارند و همین‌طور معاویی دیگر، ویروسی‌هایی که بیش از همه، پس از رترووویروس‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند، آدنوویروس‌های انسانی هستند زیرا به طور کامل بی‌خطرنده و در افراد سالم به طور معمول فقط باعث سرماخوردگی می‌شوند، همچنین سلول‌های انسانی را به سادگی آلوده می‌کنند، بنابراین در صورت استفاده به عنوان حامل، تا مدتی پس از ورود، باعث تولید مقادیر زیاد پروتئین درمانی

سوی سلول‌های عصبی جذب می‌شوند و بعضی از سلول‌های عصبی می‌توانند در تمام طول عمر فرد، آن‌ها را در وضعیتی به نسبت بی‌خطر نگه‌دارند، بنابراین می‌توانند حامل‌های خوبی برای درمان بیماری‌های مربوط به سلول‌های عصبی باشند (۱۴، ۱۳).

حامل‌های غیر ویروسی:

تنها ویروس‌ها نیستند که به عنوان حامل‌های بالقوه قابل استفاده‌اند، عوامل صناعی را می‌توان با ترکیب کردن دی‌ان‌ای با ملکول‌هایی به دست آورد که این ملکول‌ها، دی‌ان‌ای را متراکم می‌کنند، آن‌ها را به سوی سلول‌ها می‌برند و در داخل سلول‌ها از تخرب محافظتش می‌کنند. همانند ویروس‌ها، استفاده‌ی بالینی از این عوامل صناعی، هنوز مستلزم کامل کردن روش است. ژن‌های منتقل شده بوسیله‌ی حامل‌های غیر ویروسی در آزمایشگاه به خوبی وارد کروموزوم‌های میزبان می‌شوند و با ژن‌های آن تلفیق می‌یابند، اما در بدن موجود زنده این کار را به خوبی انجام نمی‌دهند. همان‌طور که گفته شد، عدم تلفیق و سازگاری می‌تواند بنابر هدف موردنظر، مزیت یا عیب محسوب شود (۲۰). لیپوزوم‌ها کراتی کوچک و متشکل از ملکول‌های چربی هستند و به‌طور تقریبی از همان زمان که رتروویروس‌ها مورد پژوهش بوده‌اند، روی لیپوزوم‌ها هم تحقیق

را از بار قبل هم سریع‌تر ازبین می‌برد. همین واکنش‌ها شاید مسئول از بین رفتن بیان ژن‌ها هستند، اگرچه امروزه دانشمندان به دنبال کاهش شدت واکنش ایمنی هستند و تصمیم دارند این کار را با برداشتن یا تغییر دادن (دستکاری) آن دسته از ژن‌های ویروسی انجام دهند که مسئول اصلی این واکنش‌ها هستند. البته ذکر این نکته لازم است که در بسیاری از پژوهش‌های بالینی انتقال ژن به‌وسیله‌ی آدنوفیروس‌ها مشاهده شده است (۱۹).

ویروس‌های اقماری آدنوفیروس‌ها:

ویروس‌های اقماری آدنوفیروس‌ها که به آنها ویروس‌های همراه آدنو (AAV) هم گفته می‌شود می‌توانند به عنوان حامل عمل کنند که هرپس‌ویروس‌ها، آلفاویروس‌ها و پاکس‌ویروس‌ها از جمله‌ی آن‌ها هستند، که البته هیچ‌کدام کمال مطلوب نیستند، اما هر کدام می‌تواند کاربردهای اختصاصی داشته باشند. ویروس‌های اقماری آدنوفیروس‌ها برای انسان بی‌خطرند و ژن‌های خود را به صورت طبیعی وارد کروموزوم‌های انسان می‌کنند بنابراین می‌توانند جانشین رتروویروس‌ها شوند اما با توجه به این که کوچکتر هستند قادر نخواهند بود ژن‌های بزرگ‌تر را وارد بدن فرد کنند. هرپس‌ویروس‌ها ژن‌های خود را وارد دی‌ان‌ای می‌بانشان نمی‌کنند، اما به

اشکال سرطان فراهم آورده است. به علاوه بر خی
شکل‌های دیگر دی.ان.ا غیر از پلاسمیدها نیز
مورد پژوهش‌اند (۱۵). زیست‌شناسان به طور
خاص سعی دارند کروموزوم‌های کوچکی درست
کنند که در آن‌ها ژن‌های درمانی وارد کنند. این
مجموعه‌ها درست به اندازه حاوی ماده ژنتیکی
لازم خواهند بود، که از تخریب آن در سلول
اجتناب شود و در حین تقسیم سلولی نیز از بین
نرود، به علاوه حاوی عناصری خواهند بود که به
آنها اجازه دهد طی هر بار تقسیم شدن سلول، به
درستی مطابق نسخه‌ی اصل و تنها یک مرتبه
نسخه‌برداری شوند، درست مثل یک کروموزوم
واقعی (۱۶). زمانی که این انواع مختلف حامل
تکمیل شوند، برای درمان‌های متفاوتی قابل
استفاده خواهند بود. اگر فردی مبتلا به
ناهنجاری‌های ژنتیک، نیاز یابد که فرآورده‌ی ژن
طبیعی را در تمام مدت عمر خود دریافت کند،
حاملی ارجع خواهد بود که به صورت دائمی، ژن
درمانی را وارد کروموزوم‌های او کند، مانند یک
رتروویروس یا ویروس اقماری آدنوویروس‌ها.
برای فعالیت کوتاه مدت، به طور مثال برای ایجاد
واکنش ایمنی علیه سلول‌های سرطانی یا علیه یک
عامل عفونی، حامل‌هایی مورد استفاده خواهند
بود که کروموزوم‌های خود را وارد سلول بیمار
نمی‌کنند، مثل آدنوویروس‌ها، لیپوزوم‌ها یا دی.ان.ا
تنها (۱۵). علاوه بر روش‌های فوق می‌توانیم با

شده است و محققان می‌دانند که چگونه می‌توان
در لیپوزوم‌ها، پلاسمید قرار داد. پلاسمیدها،
قطعه‌های دی.ان.ا حلقوی پایداری هستند که در
اصل از ویروس‌هایی که به باکتری حمله می‌کنند
(باکتریوفاژها) به دست آمده‌اند، ژن‌های اولیه
موجود در پلاسمیدها را با ژن‌هایی جانشین
کرده‌اند که دارای اثر درمانی هستند. انتقال ژن
توسط لیپوزوم نسبت به ویروس از کارآیی بسیار
کمتری برخوردار است. اما روش کار آنقدر کامل
است که بررسی اثر این حامل‌ها در برابر
بیماری‌هایی مثل سرطان و موکوویسیدوز، وارد
مرحله آزمون‌های بالینی شده است. تغییر ترکیب
شیمیایی لیپوزوم‌ها، انتخاب پذیری آن‌ها را بهبود
می‌بخشد و ظرفیتشان را در انتقال ژن‌ها افزایش
می‌دهد (۲۰).

دی.ان.ا می‌تواند به وسیله‌ی توده‌های ملکولی
متنوعی انتقال داده شود، مانند پپتیدها در زنجیره-
ی حاصل از چندین اسید‌آمینه که به سلول هدف
متصل می‌شود و تخریبیش بوسیله‌ی آنزیم‌های
سلولی را متوقف می‌کنند. این مجموعه‌ها در
آزمایشگاه نتایج خوبی داده‌اند و آن‌ها را
دستکاری می‌کنند تا قابلیت آزمایش روی
حیوانات و انسان را به دست آورند (۱۵، ۲۰).

تزریق دی.ان.ا تنها نیز امکانات ایمنی‌سازی جالبی
را در برابر بیماری‌های عفونی و حتی برخی

می‌شوند و اثر تخریبی کمتری را برای فرد بیمار ایجاد می‌کنند (۶).

بیماری‌های مناسب برای درمان با استفاده از ژندرمانی:

بیماری‌های کاندید احتمالی ژندرمانی، شامل بیماری‌های ژنتیکی و غیرژنتیکی هستند و بیماری‌هایی که به طور بالقوه‌ای می‌توانند توسط ژندرمانی، درمان شوند شامل بیماری‌های زیر هستند:

نقص ایمنی (SCID) - تالاسمی - هموفیلی - سرطان خون - فیروزکیستی - بیماری‌های قلبی عروقی (۶).

اما باید خطرات بالقوه‌ی ژندرمانی را هم از نظر دور نگنیم، که به طور کلی شامل موارد زیر هستند:

۱. واکنش نامطلوب بیمار به ناقل یا ژن انتقال یافته
۲. تحریک پروتوآنکوژن یا اختلال ژن سرکوبگر تومور توسط ژن انتقال یافته و ایجاد بدخیمی
۳. اختلال یک ژن ضروری بیشتر در دودمان زایشی پر خطر (۷).

از آنجاکه توسعه و کاربرد بیوتکنولوژی نباید باعث صدمه دیدن زیست بوم و به خطر افتادن سلامت و بهداشت مردم شود بنابراین به اعتقاد بسیاری از کارشناسان واقع‌بین، قبل از اقدام به

استفاده از تغییرات آر.ان.إ به درمان‌های مرتبط با ژندرمانی پردازیم که این روش‌ها شامل استفاده از اولیگونوکلئوتیدهای آنتی‌سننس و روش تداخل آر.ان.إ هستند (۸،۹).

اولیگونوکلئوتیدهای آنتی‌سننس:

درمان توسط اولیگونوکلئوتیدهای آنتی‌سننس ممکن است جهت تنظیم بیان ژن در بدخیمی‌ها و سایر بیماری‌های ژنتیکی به کار رود. اصل تکنولوژی آنتی‌سننس، اتصال ویژه‌ی توالی یک اولیگونوکلئوتید آنتی‌سننس (به طور معمول به طول ۳۰-۴۰ نوکلئوتید) به ام.آر.ان.إ هدف است که منجر به مهار بیان ژن در سطح پروتئین می‌شود (۱۰،۱۱).

تداخل آر.ان.إ:

این تکنیک کاربردهای درمانی گسترده‌ای دارد، به طوری که هر ژن ممکن است با روش تداخل آر.ان.إ، یک هدف بالقوه‌ای برای خاموش سازی باشد. برخلاف درمان توسط اولیگونوکلئوتید آنتی‌سننس که به ام.آر.ان.إ هدف متصل می‌شود، در نتیجه‌ی تداخل آر.ان.إ، ام.آر.ان.إ هدف شکسته شده و تخمین زده شده است که این روش تا بیش از هزار برابر فعال‌تر باشد (۶،۸).

با استفاده از این دو روش ام.آر.ان.إ‌ایی که با تولید پروتئین مضری همراه هستند قادر عملکرد

انجام رسانیده و هر بار متحمل هزینه‌های سنگین و خطرات آن شوند. علاوه بر آن احتمال پاسخ سیستم ایمنی به ژن جدید (به عنوان یک جسم خارجی) در هر مرحله از ژندرمانی وجود دارد و تعدد مراحل ژندرمانی می‌تواند این خطر را بیشتر کرده و موجب ضرر و خطر برای بیمار شود. این آسیب و ضرر هم از دیدگاه جسمانی و هم از منظر اقتصادی به بیمار تحمیل می‌شود و همچنین می‌تواند دست‌آویزی برای افراد سودجو با توجه به هزینه‌های گراف ژندرمانی باشد.

۳. از خطرهای دیگر ژندرمانی ورود ناخواسته‌ی دی‌ان‌ای جدید، در محل نادرستی از ژنوم فرد گیرنده است، که این امر ممکن است با غیرفعال کردن ژن‌های کنترل‌کننده‌ی تومور یا ایجاد اختلال در ژن‌های ضروری همراه باشد و این امر خلاف پرهیز از ضرر رسانی به بیمار و اخلاق پزشکی است.

۴. خطر مهم دیگر، امکان استفاده از ژندرمانی به عنوان سلاح است. متأسفانه امروزه بیوتوریسم یک معضل شناخته شده در جامعه‌ی جهانی است. ممکن است ژن بیماری‌زا و ضرر را وارد ویروس کرده و افراد را در معرض آن قرار دهند. خطر دیگری که وجود دارد امکان استفاده از ژندرمانی به عنوان روشی برای تولید افرادی با خصوصیات ویژه به‌طور مثال برای نیروهای نظامی است،

روش‌های ژندرمانی، باید نکات مهمی را در نظر داشت.

نکات و ملاحظات اخلاقی در بهره‌گیری از روش ژندرمانی:

با گسترش استفاده از ژندرمانی، چالش‌های اخلاقی جدیدی مطرح می‌شود. این تأکیدهای اخلاقی بیشتر بر مبنای حفظ حقوق بیماران و رعایت استقلال آنان، سودمندی این روش و رعایت موازین عدالت و بنیانهای علمی در هنگام انجام ژندرمانی است. شماری از این چالش‌های اخلاقی به شرح زیر هستند:

۱. ویروس مورد استفاده جهت ژندرمانی که نقش حامل جدید را خواهد داشت اگرچه ضعیف شده و قدرت بیماری‌زایی خویش را از دست داده ولی ممکن است در درون بدن بیمار دوباره قدرت بیماری‌زایی خود را بدست آورده و باعث عفونت و بیماری در بدن میزبان شده و سلامتی وی را به خطر اندازد. این امر موجب ضرر و صدمه به بیمار است.

۲. از آنجا که این شاخه از درمان، زمینه‌ای جدید و دانشی جوان است، هنوز شواهدی مستقل دردست نیست که نشان دهد این روش به صورت دائمی مؤثر است، ممکن است بیماران مجبور شوند چندین مرحله از ژندرمانی را به

احتمال تبعیض نژادی است. به عنوان مثال قد برای ورزشکاران بسکتبال؛ اگر گروه مخالف به طور انتخابی از دسترسی به درمان محروم شوند و به نسبت کوتاه قدرت باشند، باعث یک زیان اجتماعی می‌شود، یا برای پیشگیری از ابتلا به سرطان اگر گامتها و جنینها در افراد مستعد و یا در افراد نرمال تحت درمان قرار نگرفته باشد، باعث عدم بیمه بچه‌هایشان می‌شود (۱).

همچنین آیا این امکانات درمانی در دسترس همه خواهد بود و آیا همه توانایی استفاده از آن را خواهند داشت، یا فقط در اختیار ثروتمندان قرار خواهد گرفت؟

اگر قانون، استفاده از این تکنیک را برای تقویت ژنی ممنوع اعلام کند باز هم افرادی ممکن است از طریق غیر قانونی آن را در این جهت به کار گیرند و در اجتماع خود به خاطر برتری‌های غیر منصفانه کسب شده غالب باشند. همچنین با وجود چنین افرادی در اجتماع استانداردهای مراقبت تغییر خواهد کرد (۱).

انجام آزمایش بر جنین انسان خود مسائل اخلاقی زیادی را بر می‌انگیزد که در جوامع و مذاهب مختلف برخورد متفاوتی با آن می‌شود، به عنوان مثال آیا انجام ژن درمانی بر روی انسانی که هنوز متولد نشده، نقض اخلاقی رضایت آگاهانه

بنابراین امکان اقدامات تروریستی به صورت آسیب فردی یا تعرض جمعی وجود خواهد داشت.

۵. خطرات دیگری که ژن درمانی را به چالش می‌کشند، خطرات ناشی از ژن درمانی بر روی سلول‌های رده‌ی زایشی هستند. بنظر می‌رسد تغییرهای عمدۀ‌ای در ژن‌های سلول‌های رده‌ی زایشی، دلیل واقعی ترسی باشد که برخی از آن به عنوان خدایی کرن جسورانه، نه در درمان بیماری‌ها، بلکه در خلق مجدد بشر یاد کنند. ترس از این وجود دارد که در این مسیر، ژن درمانی به سمت مهندسی ژنتیک تقویت کننده پیش رود، به این معنی که از ژن‌ها برای تقویت و تشدید صفاتی خاص در جهت ایجاد فرزندان سفارشی بکار رود، به عنوان مثال اضافه کردن یک ژن اضافی کد کننده هورمون رشد به سلول‌های رده‌ی زاینده‌ی یک فرد نرمال برای بدست آوردن یک فرد بلند قدتر (۴،۳،۱).

اضافه کردن یک ژن نرمال برای تصحیح اثرهای مضر یک ژن معیوب، متفاوت از الحق یک ژن برای ساختن یک محصول فوق العاده است. تغییر انتخابی یک صفت شاید تعادل متابولیکی سلول‌های شخص یا کل بدن وی را به خطر اندازد. حتی اگر نگرانی‌های پزشکی هم برطرف شود یک مشکل اخلاقی عمدۀ باقی می‌ماند و آن

در راستای انجام روش‌های نوین ژن‌درمانی و با توجه به موارد بالا، یکسری مقررات و توصیه‌های ویژه نیز، از سوی مراکز مرتبط، وضع شده است. از جمله اینکه، در سال ۱۹۸۸ از سوی مؤسسه ملی بهداشت آمریکا (NIH) یکسری دستورالعمل‌ها و مقررات خاص، برای کاربرد ژن‌درمانی، ارائه شده است که مراکز تحقیقاتی ژن‌درمانی ملزم به رعایت آن‌ها هستند، که شامل موارد زیر هستند:

- تا قبل از حصول اطمینان از صحت و امکان‌پذیری ژن‌درمانی، از انجام این گونه آزمایش‌ها خودداری کنند؛
- هدف پروژه و همچنین مدارک معتبر دال بر شناسایی ژن معیوب را، تعیین و ارائه کنند؛
- ژن‌درمانی بیماری‌هایی که بیمار شانس زنده ماندن کمتر از سه ماه را دارد و یا بیماری که با روش‌های معمولی با شکست مواجه شده است، نظیر سرطان‌های بدخیم یا ایدز یا نظایر آن، در اولویت پژوهش‌ها قرار داشته باشد؛
- در صورت استفاده از ویروس‌ها به عنوان ناقل، تمام جواب احتیاطی و ایمنی رعایت شود (۵).

نیست؟ ما نمی‌دانیم که نسل آینده ما تمایل به ایجاد دستکاری‌هایی که ما انجام می‌دهیم دارند یا خیر، البته اصل رضایت آگاهانه اصل مطلق و غیر مشروطی نیست به ویژه زمانی که در دفع نواقص ژنتیکی بکار برده می‌شود و منافع آن بسیار بیشتر از خطرهای آن هستند (۱).

اگرچه تمامی این ملاحظات هنگام ژن‌درمانی سلول‌های سوماتیک مدنظر هستند ولی حساسیت و ترس از آسیب و لغزش علمی، هنگام ژن‌درمانی بر روی سلول‌های رده‌ی زاینده بیشتر است. اصولی مانند اصل استقلال افراد و رضایت فرزندان آتی، رعایت اصل عدالت در هنگام ژن‌درمانی، توجه به کرامت انسانی افراد معلول و دارای نقاچص ژنتیکی، امکان بهره‌برداری نادرست از ژن‌درمانی سلول زایا برای تولد فرزندان سفارشی و سوء استفاده از آن در بهسازی ژنی که فاقد خوب‌رویی اخلاقی و پژوهشکی هستند، دخالت ناروا در خلقت انسان، طبیعت، سازگاری و تکامل طبیعی نسل‌ها و درنهایت تغییرهای فاجعه بار در ژنوم (مجموعه اطلاعات ژنتیکی انسانی)، همگی دغدغه‌های اخلاقی مهمی در این مرحله هستند، که این نگرانی‌ها باعث شده ژن‌درمانی بر روی سلول‌های رده‌ی زاینده تا به امروز غیرقانونی شمرده شود (۴).

مورد نظر محققان ژنتیک یا متخصصان ژن‌درمانی باشد، این است که استفاده از این روش، ارزش درمانی فوق العاده‌ای برای بیمار داشته باشد و به عبارتی ساده‌تر به خطر آن بیارزد، هر چند که به راحتی نمی‌توان قبل از انجام ژن‌درمانی با صراحة از نتیجه‌ها و یا درصد موفقیت آن، سخن به میان آورد. با تمامی این مشکل‌ها، بدون هیچ شکی باید گفت که ژن‌درمانی در آینده‌ای نه چندان دور، تحول‌های شگرفی را در حیطه‌ی درمان بیماری‌های ژنتیکی و غیر ژنتیکی و همچنین کاهش هزینه‌های گراف خدمات بهداشتی درمانی ایجاد خواهد کرد و همانند سایر تکنیک‌های بیوتکنولوژی، ژن‌درمانی نیز در حال تحول و پیشرفت است که خود یکی از بزرگترین دستاوردها در علوم پزشکی است.

References

نتیجه‌گیری

ژن‌درمانی به عنوان یک روش درمانی برای پاره‌ای از بیماری‌ها مطرح است، اگرچه اکنون در مراحل اولیه تحقیق و بکارگیری جهت درمان بیماران است ولی با رعایت جوانب و ملاحظات اخلاقی می‌تواند فواید شگرفی در درمان مؤثر برای پاره‌ای از بیماری‌ها داشته باشد. مهمترین نکته در ژن‌درمانی این است که ابتدا باید مشخص شود، آیا ایجاد تغییراتی که با تغییر ترکیب ژنتیکی سلول همراه است، جنبه درمانی دارد یا خیر؟ زیرا در صورتی که این روش، جنبه معالجه و درمان نداشته باشد و فقط برای تغییر برخی صفات یا ویژگی‌های فرد به کار رود، در نهایت عواقب ناگواری را به دنبال خواهد داشت و حساسیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را برخواهد انگیخت. همچنین معیار مهمی که باید

منابع مورد استفاده:

۱. جلالی ا و عباسی م. (۱۳۸۹). ژن‌درمانی، اخلاق و آینده. *فصلنامه اخلاق پزشکی*. سال چهارم (۱۲): ۱۴۹-۱۶۲.
۲. رحیمی ه، زند ر، مرادی تبریز ه و هاشمی صدرایی ن. (۱۳۷۸). ژن‌درمانی دیروز، امروز و فردا. *رازی*. ۲۴-۴۰: ۸. ۱۱۶.
۳. رهنما ح و سنجیریان ف. (۱۳۹۰). اخلاق زیستی در مهندسی ژنتیک. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*. سال ششم (۳): ۱-۹.

۴. کیانی م.، بزمی ش. و شیخ آزادی ا. (۱۳۸۹). ژن درمانی، ملاحظات اخلاقی، چالش‌ها و راهکارها.
فصلنامه اخلاق پزشکی. سال چهارم (۱۱): ۵۲-۳۹.

۵. نوروزیان ا. (۱۳۷۷). ابعاد اخلاقی بیوتکنولوژی با تأکید بر ژن درمانی. رهیافت. ۱۹: ۹۱-۸۶.

۶. یوسفیان ل و حبیبنژاد ل. (۱۳۹۱). اصول ژنتیک پزشکی امری. ۳۰۰۰. ۱۴. انتشارات ابن‌سینا. تهران.
.۷۰۰

7. Thomas C.E, Ehrhardt A. and Kay M.A. (2003). Progress and problems with the use of viral vectors for gene therapy. *Nature Reviews Genetics*. 4: 364-358.
8. Caplen N.J. (2004). Gene Therapy Progress and Prospects. Downregulating gene expression: the impact of Rna interference. *Gene Therapy*. 11: 1241-1248.
9. Mulligan R.C. (1993). The Basic Science of Gene Therapy. American Association for the Advancemet of Science. 260 (5110): 926-932.
10. Descamps V, Duffour M.T, Mathieu M.C, Fernandez N, Cordier L, Abina M.A, Kremer E, Perricaudet M and Haddada H. (1996). Srtategies for cancer gene therapy using adeno viral vectors. *J Mol Med*. 74: 183-189.
11. Dincer S, Turk M and Piskin E. (2005). Intelligent polymers as nonviral vectors. *Gene Therapy*. 12: 139-145.
12. Elliot R. (1993). Identity and the ethics of gene therapy. *Bioethics*. 7 (1): 27-40.
13. Flotte T and Carter B. (1995). Adeno-associated virus vectors for gene therapy. *Gene Therapy*. 2 (6): 357-362.
14. Gardlik R, Palffy R, Hodosy J, Lukacs J, Turna J and Celec P. (2005). Vectors and delivery systems in gene therapy. *Med Sci Monit*. 11 (4): 110-121.
15. Herweijer H and Wolff J.A. (2003). Progress and prospects: naked DNA gene transfer and therapy. *Gene Therapy*. 10: 453-458.
16. Kakeda M, Hiratsuka M, Nagata K, Kuroiwa Y, Kakitani M, Katoh M, Oshimora M and Tomizuka K. (2005). Human artificial chromosome (HAC) vector provides long-term therapeutic trans gene expression in normal human primary fibroblasts. *Gene Therapy*. 12: 852-856.
17. Li S.D and Huang C. (2006). Gene therapy progress and prospects: non-viral gene therapy by systemic delivery. *Gene Therapy*. 13: 1313-1319.

18. **Maier P, Kalle C.V and Laufs S. (2010).** Retroviral vectors for gene therapy. Future Microbiology. 5 (10): 1501-1523.
19. **Nadeau I and Kamen A. (2003).** Production of adenovirus vector for gene therapy Biotechnology Advances. 20: 475-489.
20. **Nidome T and Huang L. (2002).** Gene therapy progress and prospects: Nonviral vectors. Gene Therapy. 9: 1641-1652.
- and Ghivizzani S.C. (1998).** Viral vectors for gene therapy. Pharmacology
- 21. Robbins P.D and Therapeutics. 80: 35-47.**
22. **Walters L. (1991).** Human Gene Therapy: Ethics and public policy. Human Gene Therapy. 2 (2): 115-122.

